



پایان کلاس و مدرسه؟

سید میثم موسوی

تصویرگر

دکتر فریدالدین حداد عادل



در تمامی موارد گفته شده، آموزش رنگ و بویی دیگر خواهد گرفت و خواست و نیاز و استعداد دانش‌آموز (اگر بتوان چنان مخاطبی را دانش‌آموز نامید)، ملاک اصلی، تعیین نوع محتوای آموزشی اوست. این امر یک تیغ دو لب است که مزیت‌های بسیار و مخاطرات جدی دارد، چرا که نیازهای علمی هر فرد را به‌طور عمده خود او تعیین می‌کند؛ هر چند صلاحیت و تجربه کافی اتخاذ چنین تصمیمی را نداشته باشد. هر چقدر تنوع روش‌ها و کلاس و سطح آموزش بیشتر می‌شود، کالبد فیزیکی کم‌کاربردتر می‌شود و اگر نیازهای اجتماعی و ورزشی و تربیتی و پرورشی دانش‌آموزان نباشد، ای بسا آمدن به مدرسه کاملاً بی‌معنی می‌شود!

در شخصی‌سازی آموزشی، به‌خصوص در هوش مصنوعی آموزشی، تنوع با صنعت سرگرمی و تفنن می‌آید و امور متعددی از خانواده سرگرمی، در آموزش نقش جدی پیدا می‌کنند. بازی‌وارسازی یکی از مدل‌ها و سبک‌های جدی شخصی‌سازی آموزشی است که البته انواع سرگرمی‌های دیگر در فضای آموزشی و غیر آن به ارتقای این ابرانگاره آموزشی کمک می‌کنند.

در این مجال اندک، فارغ از مزیت‌ها و مخاطرات شخصی‌سازی آموزش، مانع‌هایی که بر سر گسترش آن قرار دارند، به اجمال مطرح می‌شوند:

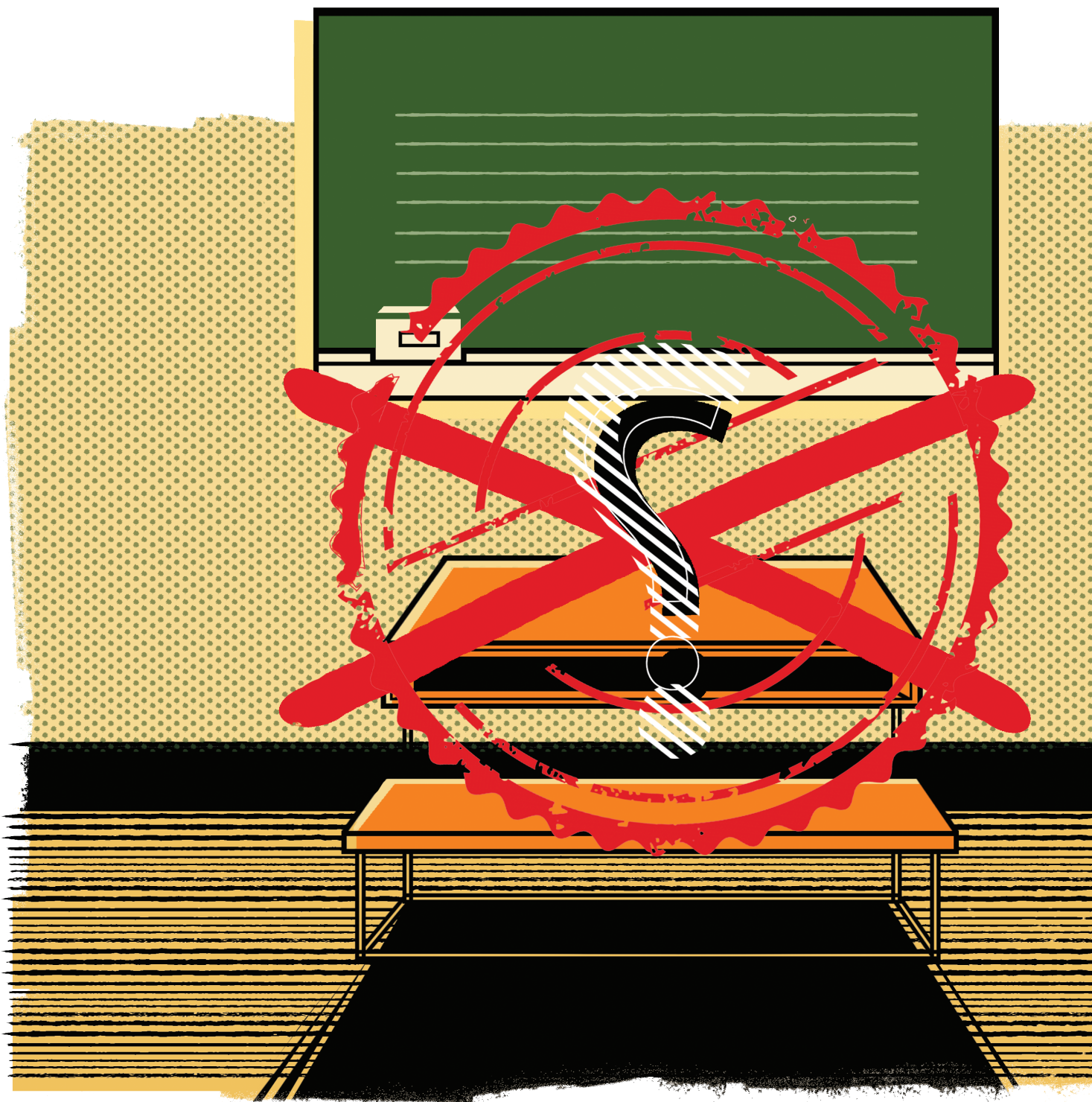
وقتی پدیده تدریس خصوصی در عرصه مدرسه‌های کشور ظهور کرد، کسی فکر نمی‌کرد روزی روش عمومی آموزش فراگیر با خطر جدی روبه‌رو شود و کلاس‌رفتن و کلاس‌داری در معرض نابودی باشند.

امروز شخصی‌سازی آموزش در دو سطح، نظام آموزش فراگیر را تهدید می‌کند:

الف) فضای مجازی و بستر اینترنت و آموزش‌های متفاوت استادان گوناگون در زمینه درس‌های متفاوت؛

ب) هوش مصنوعی آموزشی بدون مدرس مشخص. شخصی‌سازی آموزش به‌طور جدی تعریف نوینی از عدالت آموزشی ارائه می‌دهد. دیگر چون گذشته آموزش فراگیر نماد همراهی و هم‌سطحی رشد دانش‌آموزان نیست. شخصی‌سازی آموزش اگرچه هنوز به حوزه مسائل پرورشی و تربیتی ورود پیدا نکرده است، اما می‌تواند متناسب با سطح و نیاز و توانمندی‌های مخاطب خود، سطح آموزش را تغییر دهد. این اتفاق به‌نظر طرفداران این حوزه به اجرای عدالت آموزشی نزدیک‌تر است. در فرایند فعلی شخصی‌سازی آموزش، قدرت انتخاب درس و مدرس و همین‌طور توان تعیین زمان آموزش و در نهایت تصمیم برای گزینش زمان و نحوه سنجش روند آموزش، بخش‌های مهمی از تفاوت‌های جذاب این سبک با مدل آموزش فراگیر را نشان می‌دهند.

هوش مصنوعی آموزشی به‌طور جدی یک ابرانگاره جدی خودگردانی آموزشی است که در آن هر روز نقش معلم و مربی کمتر می‌شود و دانش‌آموز هر چه بیشتر متولی همه امور آموزشی خود می‌شود. در کلیت شخصی‌سازی آموزش، اصالت با تنوع بالای محتوا و قدرت جدی انتخاب مربی است و در کلان بخش آموزشی نظام تعلیم و تربیت، در تمام این موارد دچار دگرگونی خواهد شد: سیاست‌گذاران، دانش‌آموزان، معلمان، روش‌ها، کالبد‌های فیزیکی مدرسه‌ها، شیوه سنجش و بازخوردگیری، ایفای نقش اولیا.



۱. هزینه‌های مالی این پروژه‌ها در مقایسه با مدل‌ها و سبک‌های آموزش فراگیر خیلی بیشتر است؛
۲. انتخاب و تربیت معلمان این سبک دشوار است.
دانش‌افزایی متولیان این روش پیچیده و پرهزینه است؛
۳. شخصی‌سازی آموزش امروز، روزبه‌روز بیشتر به فناوری محتاج و وابسته می‌شود؛
۴. وقتی محتواها و روش‌ها در شخصی‌سازی آموزش متکثر و گسترده می‌شوند، طبیعی است تطبیق آن‌ها با هم و سنجش دانش‌آموزان در مواقعی نظیر آزمون سراسری، داوری درباره

کیفیت انواع برنامه‌ها و کلاس‌ها دشوار خواهد بود؛
۵. امروزه شخصی‌سازی آموزش به‌طور جدی از پدیده‌های معنوی و پرورشی و جنبه‌های ارزشی دور است، ولی محتمل است که به‌زودی فضای مجازی و هوش مصنوعی برای این امور هم راهکارهایی عملیاتی ارائه دهند.
به‌نظر می‌رسد، شخصی‌سازی آموزش ما را به سوی جهانی جدید از آموزش رهنمون می‌شود که دقیقاً نمی‌دانیم در آن قشر معلم، کتاب درسی، کلاس درس و مدرسه چه خواهد بود و لازم است همه آموزشکاران این مسئله را با هوشیاری رصد کنند!